



سه گانه عقلانیت، عدالت و معنویت از منظر رهبر انقلاب

معنویت که بر اصول عقلانی استوار نباشد یا معارض آن باشد، نمی‌تواند تأثیری فراتر از آرامش موقت بر جان انسان بگذارد. رشد و صعود به سمت امور متعالی، بدون تشخیص دقیق هدف، راه و ابزار لازم برای وصول، ممکن نیست و تعیین هریک از این امور نیز در گرو استفاده از اصول عقلانی است.

معنویت که بر اصول عقلانی استوار نباشد یا معارض آن باشد، نمی‌تواند تأثیری فراتر از آرامش موقت بر جان انسان بگذارد. رشد و صعود به سمت امور متعالی، بدون تشخیص دقیق هدف، راه و ابزار لازم برای وصول، ممکن نیست و تعیین هریک از این امور نیز در گرو استفاده از اصول عقلانی است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز در اندیشه مقام معظم رهبری عقلانیت حقیقتی است که با 2 عنصر عدالت و معنویت کامل می‌شود و ترابری تنگاتنگ بینشان حاکم است. به گونه‌ای که نه عدالت تهی از معنویت و عقلانیت، استعداد این را دارد که عدالت محسوب گردد و نه عقلانیت تهی از عدالت و معنویت. مسئله‌ی معنویت نیز به همین نسبت است. در حقیقت عدالت، عقلانیت و معنویت باهم محقق می‌شوند و از یکدیگر غیرقابل انفکاک هستند. در این منظومه‌ی فکری، روح و اساس کار معنویت است و عقلانیت به عنوان مهم‌ترین ابزار کار محسوب می‌گردد و عدالت نیز هدف و مسیر کار است. (۱)

مسئله‌ی این یادداشت در پی آن است کشف چرایی این ترابط معنایی است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

[*] چرایی ترابط معنویت با عدالت

سؤالی که ممکن است در ذهن پدید آید این است که چه ارتباطی بین 2 مفهوم عدالت و معنویت وجود دارد و دلیل این ترابط معنایی چیست؟ بر اساس نظام اندیشه‌ی رهبر انقلاب که یک منظومه‌ی فکری مبتنی بر اصل توحید و آموزه‌ی توحیدی است و تمام ساختارهای این نظام فکری بر این اساس بنا شده، معنویت حقیقتی است که هیچ‌گونه نقطه عطفی با ظلم و زنجیر پذیرد.

براین اساس انسان معنوی کسی است که در مقابل طاغوت و ظلم سر سازش فرود نمی‌آورد بلکه با نظام سلطه و طاغوت مبارزه خواهد کرد، چراکه معنویت اصیل و حقیقی در ذات خود ظلم و ستم‌گری و ناسازگاری با طاغوت را همراه دارد. آدم معنوی و آزادی‌خواه با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویت است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم. (۲)

این عبارات، بیانگر تفاوت ماهوی و تعریفی و معنویت و آزادی‌خواهی در منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب - یا به عبارتی نظام اندیشه‌ی رهبر انقلاب - با انواعی از آزادی‌خواهی‌ها و تعریف‌های غیر اصیل و سازش‌کاری است که از درون تفکرات التقاطی و سازش‌گرایی‌ها و چون انجمن حجتیه پدید می‌آید که همواره مورد نقد جدی امام خمینی رحمه‌الله بوده‌اند.

این آزادی‌خواهی و معنویت و آزادی‌خواهی همانند عقلانیت و آزادی‌خواهی در مفهوم انقلابی‌گری قابل‌تعریف است (۳) و ترابط معنایی دارد با عدالت. چراکه از شاخصه‌های عدالت در نگاه اسلام سکوت نکردن در مقابل ظلم و استبداد و طاغوت است و در این رابطه احادیث و آیات بسیاری وارد شده است که برای نمونه به حدیثی از حضرت علی علیه‌السلام که خود اسطوره و اسوه کامل معنویت، عدالت و عقلانیت توأمان است اشاره و اکتفا می‌کنیم: «أَحْسَنَ الْعَدْلِ نَصْرَةُ الْمَظْلُومِ؛ بهترین عدالت یاری مظلوم است».

[*] چرایی ترابط معنایی عقلانیت با عدالت

سؤال بعدی در ارتباط با چرایی درهم‌تنیدگی بین 2 مفهوم عقلانیت و عدالت است. چه ارتباطی بین این 2 برقرار است؟ رهبر انقلاب چرایی این ترابط و درهم‌تنیدگی را در منتفی شدن عدالت در صورت نفی عقلانیت از عدالت تعریف می‌کنند. بر اساس نظام فکری رهبر انقلاب، اگر عقلانیت از عدالت نفی گردد، عدالت به نقیض خودش مبدل می‌شود. (۴) و در عباراتی دیگر متذکر می‌شوند که نفی این 2 از یکدیگر منجر به تبدیل عدالت به ضد خود خواهد شد. اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش

این حقیقت با تأمل در منابع اسلامی ظاهر می‌گردد چراکه عدالت منشائی کاملاً عقلانی دارد. برای نمونه به چند کلام شریف از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در رابطه با ترابط عقلانیت و عدالت اشاره می‌کنیم.

حضرت در تعریف عدل می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل آن است که هر چیزی را در جایگاه خود قرار می‌دهد»؛ (؛ raquo)، و آنگاه می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ؛ عدل کسی است که هر چیز را در جایگاه خود قرار می‌دهد»؛ (؛ raquo).

با نگاه به این 2 تعریف مشخص می‌گردد که 2 مفهوم عدالت و عقلانیت (با توجه به اینکه عقلانیت همان گونه که گفته شد عبارت است از عقل‌ورزی و خردورزی و عاقل نیز کسی است که از عقل‌ورزی و خردورزی بهره‌مند است) تقریباً دارای تعریفی یکسان هستند و این همسانی در تعریف به دلیل درهم‌تنیدگی 2 مفهوم و ترابط معنایی آن‌ها، و نشأت گرفتن عدالت از عقلانیت است.

مؤید این سخن، فرمایشی دیگر از حضرت امیرالمؤمنین هست. حضرت در حکمت ۳۱ نهج می‌فرماید: «الْبَلَاغَةُ بِأَرْبَعِ شَيْءٍ: بِإِلْفٍ وَبِعِلْمٍ وَبِعَدْلٍ وَبِعَقْلِ»؛ (؛ raquo)؛ و در مورد آن می‌فرماید: «الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايَةِ الْفَهْمِ وَغَوْرِ الْعِلْمِ وَ...؛ عدل بر چهار پایه برقرار است؛ فکری ژرف و اندیش عمیق و به حقیقت رسیده...»؛ (؛ raquo) سپس در ادامه می‌فرماید: «مَنْ فَهَمَ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ وَ مَنْ عِلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَايِعِ الْحَقِّمْ؛ پس کسی که درست اندیشد به ژرفای دانش رسید. و آن‌کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید»؛ (؛ raquo).

همان گونه که مشاهده می‌شود؛ حضرت بن‌مایه می‌فرماید: «الْعَدْلُ بِأَرْبَعِ شَيْءٍ: بِإِلْفٍ وَبِعِلْمٍ وَبِعَدْلٍ وَبِعَقْلِ»؛ (؛ raquo)؛ و در مورد آن می‌فرماید: «الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايَةِ الْفَهْمِ وَغَوْرِ الْعِلْمِ وَ...؛ عدل بر چهار پایه برقرار است؛ فکری ژرف و اندیش عمیق و به حقیقت رسیده...»؛ (؛ raquo) سپس در ادامه می‌فرماید: «مَنْ فَهَمَ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ وَ مَنْ عِلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَايِعِ الْحَقِّمْ؛ پس کسی که درست اندیشد به ژرفای دانش رسید. و آن‌کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید»؛ (؛ raquo).

[*] چرایی ترابط معنایی عقلانیت با معنویت

سؤال آخر در این قسمت در مورد چرایی رابطه می‌فرماید: «الْعَدْلُ بِأَرْبَعِ شَيْءٍ: بِإِلْفٍ وَبِعِلْمٍ وَبِعَدْلٍ وَبِعَقْلِ»؛ (؛ raquo)؛ و در مورد آن می‌فرماید: «الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايَةِ الْفَهْمِ وَغَوْرِ الْعِلْمِ وَ...؛ عدل بر چهار پایه برقرار است؛ فکری ژرف و اندیش عمیق و به حقیقت رسیده...»؛ (؛ raquo) سپس در ادامه می‌فرماید: «مَنْ فَهَمَ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ وَ مَنْ عِلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَايِعِ الْحَقِّمْ؛ پس کسی که درست اندیشد به ژرفای دانش رسید. و آن‌کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید»؛ (؛ raquo).

برای نظرکننده در آیات و روایات این پیوند میان عقلانیت و معنویت، و نفی جدایی این دو از یکدیگر کاملاً مشهود و بارز است. در نظام فکری رهبر انقلاب نیز جدایی بُعد معنویت از محاسبات روزمره و دنیوی یک خطای محاسباتی محسوب می‌شود. (۸)

نکته قابل‌ذکر در این قسمت این است که مراد از معنویت اخلاص، توکل، اعتقاد به عالم ملکوت و ماوراء، اراده و مشیت الهی در امور، تکلیف‌مداری، اهل توسل بودن، اهل استمداد از خدا بودن، اهل عبادت و پایبندی به شریعت بودن است که این موارد از بیانات رهبری معظم انقلاب استخراج می‌شود. (۹)

معنویت در اینجا معنویت منهای دین‌داری و شریعت یا به عبارتی معنویت سکولار همان گونه که برخی روشنفکران دینی ادعا کرده‌اند نیست چراکه در حقیقت، معنویت منهای دین‌داری و شریعت، معنویت محسوب نمی‌شود؛ (؛ raquo).

بر این اساس؛ «الْعَدْلُ بِأَرْبَعِ شَيْءٍ: بِإِلْفٍ وَبِعِلْمٍ وَبِعَدْلٍ وَبِعَقْلِ»؛ (؛ raquo)؛ و در مورد آن می‌فرماید: «الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايَةِ الْفَهْمِ وَغَوْرِ الْعِلْمِ وَ...؛ عدل بر چهار پایه برقرار است؛ فکری ژرف و اندیش عمیق و به حقیقت رسیده...»؛ (؛ raquo) سپس در ادامه می‌فرماید: «مَنْ فَهَمَ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ وَ مَنْ عِلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَايِعِ الْحَقِّمْ؛ پس کسی که درست اندیشد به ژرفای دانش رسید. و آن‌کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید»؛ (؛ raquo).

امور نیز در گرو استفاده از اصول عقلانی است.

از سوی دیگر، پابندی به چارچوب عقل، مانع پیدایش و رشد نحله‌ها و خرافاتی به نام معنویت می‌شود. پذیرش اصول بدیهی عقل، مستلزم پذیرش نتایج عقلانی در ارزیابی گونه‌ها و متنوع معنویت است. به عبارت دیگر، معنویت حقیقی نه با اصول بدیهی (عقلانی) متعارض است و نه با نتایج قطعی آن (۱۰).

از آنجا که در نگاه اسلام شرع و عقل تفکیک‌ناپذیرند و از هم جدایی ندارند، عقلانیت و معنویت یا به عبارت دیگر عقلانیت و شریعت نیز تفکیک‌ناپذیر و درهم‌تنیده‌اند.

نگارنده: داود مؤذنیان

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانات مقام معظم رهبری، مورخ: 25/5/83

۲. همان، مورخ: 8/6/84

۳. مقام معظم رهبری در سخنرانی به مناسبت بیست‌وهشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) عقلانیت را در انقلابی‌گری تعریف کردند.

۴. ر. ک: بیانات مقام معظم رهبری، مورخ: 25/5/83

۵. بیانات مقام معظم رهبری، مورخ: 16/6/88

۶. نهج‌البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، حکمت: ۴۳۷

۷. همان، حکمت: ۲۳۵

۸. ر. ک: بیانات مقام معظم رهبری، مورخ: 16/4/93

۹. برای نمونه ر. ک: بیانات معظم‌له در بیست‌وهشتمین سالگرد رحلت امام.

۱۰. نقد نظریه تباین دین و معنویت، عبدالله محمدی، فصلنامه معرفت کلامی، ۷، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۱۵